

## بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان - 1 / اسفند / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا به آقایان محترم خوش آمد عرض می‌کنم و امیدوارم که مجلس محترم خبرگان، با توجهات حضرت ولی عصر ( ارواحنا فداه ) بتواند در همان طریق مستقیم و راه روشنی که راه انقلاب و راه اسلام است، همواره پیش برود. خیلی خوشحالیم که بحمدالله این مجلس، این بار هم از جمع قابل اعتنا و عظیمی از بزرگان، علما، نفوس طیبه، شخصیت‌های علمی و انقلابی، چهره‌های موجه و شخصیت‌های مؤثر در حرکت عمومی ملت ایران، تشکیل شده است. با این چنین مجموعه‌یی از شخصیت‌ها، جا دارد که نظام جمهوری اسلامی، احساس اطمینان کند و سرنوشت اسلامی خودش را، سرنوشت تضمین شده‌یی محسوب بدارد.

چیز مهمی که در قانون اساسی پیش‌بینی شد و بحمدالله در طول مدت دوازده سال گذشته، پشتوانه‌یی برای اعتماد و اطمینان مردم محسوب شد - یعنی همین مجلس محترم خبرگان - امروز هم تضمین و نقطه‌ی اتکایی برای مردم ایران نسبت به ثبات نظام اسلامی است؛ بخصوص با توجه به این که در یک انتخابات عمومی، مردم با آزادی و شوق و رغبت شرکت کردند و چهره‌هایی را که می‌شناختند و به آنها اعتماد داشتند و سوابق حسنه‌یی از آنها در یادشان بود، انتخاب کردند و بحمدالله این مجلس فراهم آمد.

آقایانی که در این جا تشریف دارید، غیر از خصوصیت عضویت در این مجلس، یا از ائمه‌ی محترم جمعه هستید، یا از علمای معروف و چهره‌های موجه اقطار کشور هستید و اراده و توجه شما بر مردم دارای تأثیر است. آنچه که در این جمع مغتنم می‌شمارم عرض بکنم، این است که وظیفه‌ی همه، بخصوص چهره‌های موجه و علما و روحانیون و شخصیت‌های علمی، توجه به سه نکته است و این سه نکته در شرایط فعلی باید مورد نهایت اهتمام واقع بشود و همه‌ی برنامه‌ها و گفته‌ها و اظهارات، با توجه به این سه نکته شکل بگیرد. امروز غفلت از این سه نکته، حقیقتاً جایز نیست.

نکته‌ی اول، همین مسأله‌ی وحدت عمومی مردم است. از علمای موجه و زبان‌های ناطق و گویا، بخصوص ائمه‌ی محترم جمعه و شخصیت‌هایی که مقام رسمی و جایگاه شناخته شده‌یی را در جامعه‌ی اسلامی دارا هستند، چه کسی اولی به این است که مردم را صمیمانه به سمت وحدت و استحکام - همین یکپارچگی که بحمدالله هست - دعوت کند؟ هیچکدام از ما مسؤولان نظام نباید اجازه بدهیم که دست‌هایی، یا از روی عناد و غرض و یا از روی جهالت، در یکپارچگی ملت تفرقه ایجاد کنند و مردم را به دسته‌جات تقسیم نمایند و اهوائی آنان را با یکدیگر متقابل و متضاد بکنند. این، راه‌هایی دارد. با تشر زدن و دعوا کردن و تهدید کردن، همیشه این مقصود حاصل نمی‌شود. بیشتر با محبت و جلب قلوب و جذب باید این مقصود را عملی کرد.

وقتی نگرش‌های متفاوتی وجود دارد، اگر ما وحدت را به عنوان یک اصل، جزو عالیترین اصول خودمان دانستیم و از ضرورت‌های بالا انگاشتیم، طبیعی است که هر طرفی باید مقداری تنازل بکند. بدون تنازل، امکان ندارد که این مقصود حاصل بشود. هیچ کس نباید توقع داشته باشد که اگر کسی طرف مقابل اوست، بکلی از فکر و عقیده و سلیقه و خواست و - اگر خدای نکرده هوایی هست - هوای خود، صرف‌نظر بکند و دربست تسلیم بشود. این، نشدنی است. اگر ما بخواهیم التیام و جمع ایجاد کنیم و از تفرق و ضررهای تفرق پرهیز نماییم، در مواردی احتیاج به تنازل است. این، یک وظیفه است.

با این که امام راحل عظیم‌الشأنمان ( رضوان الله علیه )، در طول مدت حیات بابرکتشان، همیشه ماها را به وحدت دعوت می‌کردند، من احساس می‌کنم که امروز اگر آن بزرگوار تشریف می‌داشتند، بیش از همیشه ما را به وحدت دعوت می‌کردند. شرایط مهم و حساسی است. بحمدالله بسیاری از خطرهای سر جمهوری اسلامی رفع شده و این نظام، خیلی از مراحل سخت را گذرانده است؛ اما در همین مرحله‌یی که ما الان قرار داریم - که مرحله‌ی استنتاج از

جهداها و تلاشهاي گذشته است - اين وحدت، لازم و ضروري است و اگر خدای نکرده وحدت موجود زایل بشود و نثار و نفاقي به وجود بياید، ممکن است بسياري از زحماتي که کشيده شده، به هدر برود. نکته ي دوم - که از لحاظ اهميت، کمتر از نکته ي اول نيست - اين است که همه وظيفه دارند از مسؤولان کشور، بخصوص مسؤولان اجرائي و شخص رئيس جمهور محترممان و آن کسانی که خودشان را در جهت کار براي اين کشور و ملت وقف کرده اند و در وسط گود آمده اند و براي انجام تکليفشان، از راحتی و بسياري از التذاذات شخصيشان صرف نظر کرده اند، حمايت و پشتيباني بي قيد و شرط بکنند. معنای حمايت، اين نيست که هيچ کس کمترین اعتراضی به اينها نداشته باشد، يا احيانا يك وقت اعتراضی را هم بر زبان نياورد. نه، انسان از دوست و رفیق و عزيز خودش، با همهی وجود حمايت می کند و گاهی جان خودش را سپر بلاي او قرار می دهد؛ اما يك وقت هم به او تذکری می دهد و نکته يی را می گوید. تذکر دادن و گفتن، به معنای عدم حمايت نيست. حمايت، مفهوم روشني دارد و همه می فهمند که مقصود چیست.

نبايد دولت و مسؤولان ديگر را تنها گذاشت. امروز براي دشمنان اساسي انقلاب و جمهوري اسلامي، انگيزه هاي وجود دارد که طبق آن انگيزه ها بايد بين مسؤولان کشور و مردم، فاصله ايجاد کنند و آن محبتي را که هميشه بين مسؤولان و مردم بوده است، بتدریج به سردی بدل کنند. نبايد گذاشت چنين چیزی اتفاق بيافتد. حمله کردن به مسؤولان، متهم کردن مسؤولان، قضاوت خلاف واقع نسبت به مسؤولان، دل چرکين کردن مردم نسبت به مسؤولان، امروز خيانت است و قطعاً خلاف وظيفه می باشد.

دولت و رئيس جمهور، بيش از ديگر مسؤولان، به اين حمايت و کمک و وصل قلبي و عاطفي با مردم احتياج دارند. مسؤولان قضايي کشور هم، همين طورند. مجلس شوراي اسلامي هم - که مرکز قانونگذاري و منتخب مردم و محل اميد آنان است - همين طور می باشد. نبايد مردم از مجلس و قوه ي قضاييه نااميد بشوند و انتقاد و اعتراض نبايد به حدي برسد که چهره ي اينها در چشم مردم، چهره ي مخدوشي بشود. بنا بر اين، نکته ي دوم، در پشتيباني عمومي و حفظ علقه و وصل و ربط بين مردم و مسؤولان - که تاکنون بحمدالله بوده و بعد از اين هم بايد باشد - خلاصه می شود. اين، تکليف و وظيفه است. خلاف آن، خلاف وظيفه می باشد.

نکته ي سومي که از آن دو نکته قطعاً مهمتر است، اين است که انقلاب آن وقتي به صورت کامل تحقق پيدا می کند، که آحاد مردم حقيقتاً به مردم مسلمان و مؤمن تبديل شوند. بخشي از اسلام، مربوط به عمل مردم است که نظام کلي اجتماعي و حرکت عمومي آنها را تصوير و ترسيم می کند و آنها را حرکت می دهد. بخش ديگر، مربوط به عقايد و کيفيات روحي و عمل شخصي مردم است. اگر انقلاب عظيم ما و نظام جمهوري اسلامي، با همهی امکانات مادي و معنويش نتواند دلها و خلقيات مردم و حقيقت وجود آنها را، از آنچه که معلول تربيتهاي غلط ديرين است، به مردم مسلمان متبدل کند، قطعاً موفق نشده و انقلاب واقع نگريده است. انقلاب، انقلاب مردم است. انقلاب مناسبات اجتماعي و اقتصادي، فرع بر انقلاب مردم است. تا مردم منقلب نشوند، آن انقلاب اقتصادي و تغيير و تبديل مناسبات اجتماعي و اقتصادي و سياسي هم اصلاً تحقق پيدا نمی کند. مردم در اول کار بحمدالله يك انقلاب روحي پيدا کردند که حرکت بسيار مهمي بود و نتيجه اش هميني شد که می بينيم.

اگر آنچه که واقع شد، ادامه پيدا نکند و تعميق نشود و تعميم نيابد و نسلي که رو به وجود است و نسلهاي بعدي را فرا نگیرد و خدای نکرده اسم، اسلام و جمهوري اسلامي و حاکميت مناديان اسلام باشد، اما واقع قضيه و متن زندگي مردم چیز ديگري باشد، اين انقلاب قطعاً موفق نبوده و نيست. در آن صورت، از اين که چنين چیزی پيش بياید، به خدا پناه می بریم. نبايد بگذاريم چنين چیزی رخ دهد. دشمن روي اين نقطه کار می کند. تمام دستگامها و تمام افراد، بخصوص علمای اعلام و روحانيون، بايستي روي تربيت نفوس مردم و تحقق انقلاب قلبي و اخلاقي در آنها، مخصوصاً در جوانان تلاش کنند.

البته دوران جنگ و شرايط خاص آن روزها، براي عده يی از جوانان اين مملکت، يك انقلاب معنوي و حقيقي به وجود آورد. اين وصيت نامه هاي شهدا که امام (ره) توصيه به مطالعه ي آن می کردند، به خاطر اين است که هرکدامش نمايشگر انقلاب يك نفر آدم است. هرکدام از اين وصيت نامه ها و خاطرات اين جوانان را که انسان

می‌خواند، تصویری از انقلاب یک نفر آدم را در آن می‌بیند و خودش منقلب کننده و درس‌دهنده است. ما باید این حالت را تعمیم بدهیم و این، ممکن است. اگر به‌طور صددرصد نسبت به هم‌هی افراد هم ممکن نباشد، نسبت به اکثریت مردم ممکن است. شرط اولش هم این است که در خود گویندگان و دعوات به این هدف، انقلابی به وجود بیاید و خلیات و اخلاق و معنویت و ذکر و توجه و وصل و توکل و اعتماد و رابطه‌ی معنویشان با خدا تقویت بشود. ما اول از خودمان هم باید شروع کنیم. واقعا اگر در هرکدام از ما، خدای نکرده از این رهگذر، نقص و کمبود و خللی باشد، روی مردم تأثیر بد خواهد گذاشت. همه در نوشتن، گفتن، عمل کردن، بالا کشیدن شخصیتها، نزدیک کردن افراد و یا دور کردن آنها، باید این نکته‌ی اخیر را در نظر داشته باشیم.

نکته‌ی آخر این است که عده‌ی از آقایان محترم در انتخابات مجلس خبرگان به نحوی شرکت نکردند، یا موفق نشدند و یا به‌رحال حوادثی پیش آمد که ذهنها مسبوق است. بایستی عرض بکنیم، کسانی که به مجلس خبرگان نیامدند، شخصیت آنها محفوظ است. این، نشانه‌ی عدم صلاحیت آنها نیست. بعضی از آن شخصیتها، صلاحیتها بسیار والا و بالایی هم دارند و ما به آنها ارادت داریم. بعضیشان را طی سالها و در مراحل گوناگون، به صدق و صفا و جهاد فی‌سبیل‌الله و صفای نسبت به انقلاب شناختیم و خیلیها هم شناختند. اگر کسانی در میان جمع ما نیستند - چه آن برادرانی که در دوره‌ی قبل بودند و چه کسانی که نبودند و بنا بود وارد بشوند، ولی امروز نیستند - این نبودن، نبایستی برای آن آقایان نقیصه‌ی محسوب بشود. شأن و شخصیت و قدر معنوی افراد محفوظ است و خدای متعال به آن واقف و داناست.

امیدواریم که خداوند ما را هدایت کند و آنچه را که وظیفه‌ی ماست، به ما بنمایاند و هر کدامان را در هر جا که هستیم و هر مسؤولیتی که داریم، بر انجام آن وظایف موفق بکند. من مجدداً به آقایان محترم، مخصوصاً آقایانی که از راههای دور و شهرستانها تشریف آورده‌اند، خوش‌آمد عرض می‌کنم و از این که لطف کردید و به این جا تشریف آوردید، متشکرم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته